

# ترجمه قرآن باید مردمی و عامه‌پسند باشد

نگاهی به ترجمه قرآن کریم دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی

البته زمانی که ایشان رحم را ترجمه می‌کردند من بحث‌های زیادی را در انتشارات شهید محبی با آقای بهاء‌الدین خرمشاهی داشتم که در آخر ایشان نظریه بنده را قبول کردند و شاید آقای گرمارودی هم همین نظرات را بر روی «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» اعمال کرده‌اند.

هر ترجمه‌ای از قرآن، چون کار بشری است ممکن است دارای عیب‌های مشخص و آشکار باشد، زیرا بشر خطا دارد اما کار خداوند بی‌خطاست پس ترجمه ایشان از نثر معیار فارسی نشئت گرفته و واژه‌های فارسی روان در آن به‌کار رفته است (البته برای شاعران) و از واژه‌های کهن خبری نیست که همین امر سنگینی این ترجمه را کم کرده است.

البته ایشان بسیار نقدپذیرند و در جلسات نقد گفته‌ها را ضبط می‌کنند و بارها می‌شنوند تا همه موارد را لحاظ فرمایند و چون ایشان شاعری بزرگوارند نقدهایشان هم از طرف شاعران و بزرگان ادب است، ای کاش ترجمه ایشان به‌صورت شعر نو ترجمه می‌شد که در آن صورت مطمئناً انقلابی در ترجمه بود. روان بودن و عامی بودن در ترجمه ایشان دیده نمی‌شود. ترجمه بسیار ثقیل و سنگین است و باید بدانیم یک شاعر هرگز نمی‌تواند ترجمه‌ای بسیار روان و زود فهم داشته باشد. شاعران عادت به قافیه، سجع و... دارند و این کار را دشوار خواهد کرد.

تلاش دیگر آقای گرمارودی یکسان‌سازی جمله‌ها و واژه‌های قرآنی است. ایشان در جایی فرموده‌اند «کلمات را با کامپیوتر یکسان می‌کردم». که این کار بعداً اشکالاتی را ایجاد کرد و این مسئله باعث شد که یکسان‌سازی را در خیلی موارد رعایت نکنند و یا گاهی ناهماهنگی میان ترجمه با متن قرآن هم مشاهده می‌شود. ایشان عبارت «عباداً لنا اولی باس شدید» (اسراء ۵) را «بندگانی سخت جنگاور» ترجمه کرده‌اند که این خود مشکلاتی را ایجاد می‌کند و همین‌طور در آیاتی معرفه و نکره بودن واژگانی را در نظر نگرفته‌اند.

ایشان کلمه بشارت را «نوید ده» معنی کرده‌اند که در اصل «خبرده» معنی می‌شود. مثلاً در آیه ۲ سوره توبه: وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ الْبَلِيمِ، ترجمه شده است: «کافران را به عذابی دردناک نوید ده». نوید دادن در زبان فارسی به معنای دادن خبر خوب است؛ بهار را نوید می‌دهند و یا نوید را به‌عنوان نام خوب بر روی فرزندان می‌گذارند. اگر قرار بود نوید دادن خاص کافران باشد آیا کسی اسم فرزندش را نوید می‌گذاشت؟

پس ما دو نوع ادبیات داریم: ۱. تخصصی و علمی ۲. عامیانه. شاعری که ادبیات را تخصصی و علمی می‌داند در ترجمه فقط



نام کتاب: قرآن کریم

مترجم: سیدعلی موسوی گرمارودی

ناشر: قدیانی

تعداد صفحات: ۷۴۴

ترجمه قرآن کریم به قلم سید علی موسوی گرمارودی - شاعری که شعرهای بسیاری با مضمون و محتوای اسلامی دارد و جایزه شاعر برگزیده انقلاب اسلامی را از آن خود کرده و توانایی او را در سرودن شعر سپید آیینی در ادبیات معاصر نشان می‌دهد - ترجمه‌ای فصیح و بلیغ است. ویرایش این ترجمه را آقای بهاء‌الدین خرمشاهی انجام داده که خود نیز پیش از این قرآن را ترجمه کرده است.

باید متذکر شد که بعضی از اصطلاحات در زبان فارسی کاربردی ضعیف در ترجمه قرآن دارند، مثلاً در فرهنگستان زبان فارسی ممکن است بعضی از اصطلاحات نوعی دیگر باز خورد داشته باشد که در ترجمه قرآن، کلام باقی بماند، همانند: «مالک یوم‌الدین» که در این ترجمه «دارنده روز پاداش و کیفر» معنی شده، که اگر به مترجم بگوییم «دارنده» اصطلاح بسیار کم ارزشی برای معنی «مالک» است، ایشان چون دستی در واژه‌سازی در فرهنگستان زبان فارسی دارند لابد خواهند گفت: همه داشتن‌های ما متعلق به خداوند است؛ و دارنده را برای مالک کامل می‌دانند، ولی یک فقیه این را ناقص می‌شمارد زیرا در این واژه معنی فقهی وجود دارد.

قلم آقای گرمارودی ادبی است ولی درصد افراد ادبی در جامعه ایران زیاد نیست. جامعه دانشمندپرور ایران از همه اقشار به‌صورت متکثر دارد ولی ترجمه قابل دسترسی می‌تواند هم‌نشین ساعت‌های خلوت خانواده باشد و ادبی بودن و خاص کردن ترجمه آن را به انزوا می‌کشد.

در معنی «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» در ترجمه آقای گرمارودی بعد از ترجمه «ندایی برای جهانیان» دومین ترجمه است که آن را به‌درستی ترجمه کرده‌اند زیرا «رحمن و رحیم» هر دو از ریشه «رحم» است و رحم در فارسی بخشش معنی می‌شود که «رحمان» بخشنده و «رحیم» بخشاینده معنی شده که بهترین تا این زمان است.

برای بهتر فهمیدن قرآن کریم است نه موجب تعریف و تمجید و تعریف‌های مطبوعات، کتاب هفته، روزنامه همشهری، روزنامه شرق، گیلان امروز و... این‌ها چه سودی برای فهم قرآن دارد؟ مقاله بلند بالای آقای بهاء‌الدین خرمشاهی نمایانگر این است که تحقیق روی ترجمه‌ها از اصل کار که فهم قرآنی است بالاتر است. کتاب قرآن‌پژوهی ایشان همه موارد را داراست و قرآن کریم، باید متن و ترجمه‌ای برای فهم آن باشد نه تعریف و تمجید از مترجم! باشد که متخصصان ما روزی بتوانند متنی ساده و روان به دور از امیال دنیوی از ترجمه قرآن و بدون هیچ اضافاتی به جامعه عرضه کنند و فهم قرآن در صدر کار باشد تا بدانیم به حقیقت خداوند در قرآن چه گفته و ما باید چه کنیم ■

باید برای هم‌سطح خود ترجمه کند ولی قرآن کریم برای همه کاربرد دارد. و ما نمی‌توانیم برای فروش یا در کتابخانه‌ها قسمتی را ترجمه قرآن با ادبیات تخصصی برای شاعران قرار دهیم و قسمتی را برای مردم عادی، پس ترجمه‌ای خوب است که افراد بیشتری بتوانند از آن استفاده کنند. بسیاری از دانشمندان کشور از ترجمه ایشان تعریف کرده‌اند که این فقط برای آن ۱۰ الی ۲۰ نفر کاربرد دارد. ترجمه قرآن، باید مردمی و عامه‌پسند باشد. عیب دیگری که در کار ایشان مشاهده می‌شود، یک صد و سی صفحه در آخر قرآن مؤخره، تعاریف، تمجیدها و... از خودشان را آورده‌اند به طوری که خواننده برایش مشتبه می‌شود که این ترجمه زیر مجموعه‌ای از تعریف‌های مترجم از خود است! ترجمه



## تنوع منابع اعتماد مخاطب را برمی‌انگیزد

نگاهی به کتاب پیوند قرآن و طبیعت

مؤلف: حمید محمد قاسمی  
ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی  
چاپ اول: ۱۳۹۴، ۲۹۶ صفحه

خواهد بود. اما مسئله این است که نقل قول‌های مختلف و فنی از رشته‌های گوناگون تفسیر، فلسفه و... متن کتاب را سنگین می‌کند و آن را برای مخاطب عمومی غیرقابل فهم می‌نماید. بخش نتیجه و راهکارها گرچه بسیار کوتاه هستند، اما بخش‌هایی لازم است که به‌عنوان جمع‌بندی مختصر، مفید خواهند بود.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت، در صورتی که مخاطب عمومی، از روی اعتماد، به موضوعات کتاب نگاهی بیندازد می‌تواند ارتباط وثیق بین طبیعت و قرآن را دریابد. بنابراین معرفی آن به مخاطبان عمومی ممکن و شایسته است. اما برای استفاده از مطالب فنی، این کتاب جنبه مرجع در موضوع خود دارد و علاقه‌مندان با توجه به سطح علمی خود می‌توانند به آن مراجعه کنند و نیز با مراجعه به اساتید و معلمان بخش‌های سنگین کتاب را هم مطالعه کنند ■

شاید از نام کتاب «پیوند قرآن و طبیعت» چنین برداشت شود که کاری سطحی انجام شده یا مانند برخی کتاب‌ها برای تأیید یا بزرگداشت قرآن به هر طریقی از علوم تجربی استفاده می‌کند؛ اما زمانی که به محتوا توجه می‌کنیم، متوجه تحقیق دقیق، محتوای غنی و انسجام کار در پرداختن به پیوندهای میان قرآن و عالم طبیعت می‌شویم که در آن پس از تعریف مفصل موضوع و مفردات بحث، به نکاتی کاربردی در مورد ارتباط بین قرآن و طبیعت می‌پردازد.

از نکات قابل توجه در این کتاب، طرح ارتباط حسی انسان‌ها با طبیعت است که وقتی آن را با قرآن پیوند می‌زنیم، حس تجربه کردن قرآن در تمامی زندگی روزمره دنیایی به خوبی به مخاطب القا می‌شود.

همچنین ارجاعات بسیار به منابع مختلف در این کتاب، از سویی اطمینان به محتوای آن را بالا می‌برد و از سوی دیگر تنوع منابع قرآنی و استفاده از بیانات دانشمندان علوم مختلف موجب جذابیت بیشتر و افزایش امکان استفاده مخاطبان گوناگون